

نقش وفاداری همسران در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده

محمدباقر کجیاف*

چکیده

این تحقیق با تحلیل محتوایی و با استفاده از متون روان‌شناسی و تفاسیر قرآن و احادیث به بررسی این موضوع می‌پردازد. وفاداری همسران در پرتو عشق با سه مؤلفه تعهد، صمیمیت و اشتیاق شکل می‌گیرد و با تقویت شرایط اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خانواده و افزایش توافق‌پذیری میان همسران می‌توان وفاداری را توسعه داد. با گسترش وفاداری، اعتماد همسران به یکدیگر افزایش می‌یابد و موجب استحکام نهاد خانواده می‌شود. یکی از راهبردهای تعمیق و تحکیم وفاداری همسران، توجه به ارضای نیازهای زیستی، عاطفی، شناختی، اجتماعی، جنسی و زیبایی یکدیگر است. پرورش فضایل اخلاقی و انسانی در همسران به‌خصوص تقوا و پاکدامنی، صداقت و راست‌گویی و درستکاری، و از سوی دیگر، شناخت شخصیت و افق فکری همسران، راهبرد دیگری در توسعه اعتمادآفرینی بین آنهاست. تحلیل روابط صمیمی و تداوم آن، رعایت حقوق یکدیگر، احترام متقابل، مشارکت در مسئولیت‌های خانوادگی، تفاهم، جذابیت جسمانی و جنسی، رعایت حجاب و عفت در همسران، غیرتمندی مردان در برابر همسران خود و داشتن نگرش مثبت درباره یکدیگر، از عوامل دیگر توسعه اعتمادآفرینی و تحکیم نظام خانواده به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی

وفاداری، اعتمادآفرینی، همسران، نهاد خانواده، راهبردهای توسعه.

*. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی m.b.kaj@edu.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۶

طرح مسئله

خانواده، بنیادی‌ترین و قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی است که باید در جهت استحکام و ثبات پایه‌های آن تلاش کرد؛ چراکه فشارها و گرفتاری‌های اجتماعی، در حال متلاشی کردن این نهاد است. برای حفظ نهاد خانواده باید ارزش‌های اصیل انسانی و اسلامی را در میان والدین و فرزندان نهادینه نمود و ارتباط‌های خانوادگی پایدارتری را برقرار کرد. نقش همسران و وفاداری آنها به یکدیگر در ثبات خانواده، از لحاظ اهمیت در درجه اول قرار دارد؛ به این معنا که وقتی زن و شوهر همواره به یکدیگر پایبندی نشان می‌دهند و در اوج مشکلات و ناراحتی‌ها، به یکدیگر وفادار می‌مانند و در نتیجه به همدیگر اعتماد کرده، احساس می‌نمایند که پشتوانه همدیگر هستند، اساس خانواده را مستحکم نموده‌اند و خللی به این بنای مقدس وارد نمی‌کنند.

اگرچه همه اعضای خانواده در وفاداری و اعتمادآفرینی آنها به یکدیگر در استحکام نهاد خانواده نقش‌آفرینی می‌کنند، تعهد و وفاداری همسران نسبت به یکدیگر، نقش اول را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین عواملی که در تحکیم روابط زناشویی و بهبود آن نقش به‌سزایی دارد، حفظ وفاداری و پاکدامنی زن و مرد است. وفاداری و حفظ تعهد، یک خصیصه انسانی است که در کلیه روابط انسانی - مانند روابط دوستانه یا کاری - و مهم‌تر از همه، روابط زناشویی باید به آن توجه شود. پرورش چنین خصلت انسانی، بستگی به شخصیت و تربیت فرد دارد و می‌توان با آموزش، آن را در فرد تقویت نمود تا در سیر پرورش شخصیت انسانی خویش به تکامل برسد. وقتی فردی خود را در چارچوب ازدواج و خانواده قرار می‌دهد، باید پایبند شماری از تعهدات اخلاقی گردد و خود را ملزم به رعایت تعهدات خاصی نماید و در این راه، بسیاری از رفتارها و حتی چشم، گوش و قلب خود را مهار کند تا مبادا دچار لغزش شود و باید خود را در این راه تربیت کند.

وفاداری همسران، امر اخلاقی مثبتی در جهت رشد و تعالی خانواده است و در نتیجه به تقویت اعتماد بین همسران می‌انجامد. به همین دلیل، طرح این موضوع در عرصه پژوهش‌های اخلاقی مناسب می‌نماید.

معناشناسی وفاداری

وفاداری یعنی پایداری و استمرار محبت و التزام و ثبات قدم نشان دادن به لوازم محبت تا لحظه‌های آخر عمر و نیز محبت داشتن به اولاد، رفقا و متعلقان محبوب، پس از مرگ او. (نبیلی‌پور، ۱۳۸۵: ۶۸۵)

از سوی دیگر، وفاداری یعنی رعایت حقوق حق‌داران نسبت به انسان و وفا به تعهدات به آنان در حال زندگی و مرگ آنها. محبت را به آخر رساندن و نیمه رها نمودن از دیگر معانی وفاداری است. (همان: ۶۸۶)

در مقام عمل، مقصود از وفاداری این است که اگر مرد و زن از یکدیگر اشتباهی دیدند، نباید خوبی‌های همدیگر را فراموش کنند. (مظاهری، ۱۳۸۴: ۱۵۲) منشأ وفاداری همسران نسبت به یکدیگر، سپاسگزاری از یکدیگر و دیدن جنبه‌های مثبت طرف مقابل است.

گاهی در میان همسران، صفت اخلاقی ناپسندی بروز می‌کند؛ به طوری که به سبب اشتباه اندک یکی از آنها، خوبی‌های او نادیده گرفته می‌شود؛ حال آنکه در دستورات قرآن کریم آمده است که انسان باید خوبی را سرپوش بدی قرار دهد و خصلت عفو و صفح را در پیش گیرد: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور / ۲۲) و باید ببخشند و باید درگذرند؛ آیا دوست نمی‌دارید که خدا شما را ببامرزد؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. پس همان‌طور که خداوند متعال خطاپوشی می‌کند، ما نیز باید خطاهای یکدیگر را ببخشانیم؛ به خصوص در محیط خانواده، باید همیشه خوبی‌های یکدیگر را در نظر داشته باشیم و ویژگی‌ای مثبت را برجسته کنیم. اگر همسر مریض شود، باید تحمل کرد و ناسپاسی نمود و نسبت به او وفادار بود. زن و مرد باید بدانند که در زندگی، خوشحالی، ناراحتی، نعمت و بلا وجود دارد. همان‌طور که انسان‌ها هنگام سلامتی، خوشحالی، راحتی و نعمت، همدوش یکدیگر هستند، باید هنگام بروز فقر، مصیبت و بیماری نیز به همسر خویش وفادار باشند. مهم این است که همسران در حالات مختلف زندگی، با تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی کنار بیایند. (همان: ۱۵۵ - ۱۵۴)

یکی از صفات مهم بزرگواران و کریمان، حفظ میثاق‌ها و وفای به پیمان‌ها می‌باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سُنَّةُ الْكِرَامِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ ...؛ شیوه و روش بزرگواران، عمل به تعهدات می‌باشد.» (آمدی، ۱۳۳۷، ص ۳۹۸)

وفای به عهد به‌ویژه تعهدات سنگین و پیمان‌های بزرگ و معنوی، کاری دشوار و مشقت‌آور است که فقط صاحبان اراده‌های قوی، توان عمل به آن را دارند و به همین دلیل، با اینکه پیمان‌ها و پیمان‌سپاران زیاد هستند، وفاداران و کسانی که این پیمان‌ها را انجام دهند، زیاد نیستند. (نیلی‌پور، ۱۳۸۲: ۴۸)

از سوی دیگر، وفاداری با پایداری در عهد و پیمان معرفی شده است؛ همان‌طور که امام علی علیه السلام فرمود: «لَا عَهْدَ لِمَنْ لَا وِفَاءَ لَهُ؛ بی‌وفا به عهدش پایدار نیست.» (آمدی، ۱۳۳۷: ۶ / ۴۰۳) همچنین با بیان نسبت بین خیانتکار و بی‌وفا می‌فرماید: «الْخَائِنُ لَا وِفَاءَ لَهُ؛ فرد خیانتکار وفاداری ندارد.» (همان: ۱ / ۲۴۹ - ۲۲۴)

علاوه بر آن، امام علی علیه السلام علت همدلی و یکدلی را وفاداری دانسته و فرموده است: «سبب الائتلاف الوفاء؛ سبب همدلی، وفا به عهد است.» (همان: ۴ / ۱۲۰) در قرآن کریم بین وفای به عهد و تقوا، نوعی نزدیکی دیده می‌شود: «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ (آل عمران / ۷۶) آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و [خود را] حفظ کند، پس حتماً خدا پارسایان خودنگه‌داران را دوست می‌دارد.»

همچنین علاوه بر وفای به عهد، قرآن کریم به وفای به عقد نیز دستور داده است و به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به قراردادهای وفا کنید». (مائده / ۱)

«عقود» جمع «عقد» است و «عقد» یعنی بستن چیزی به دیگری به نوعی که جدا شدن یکی از دیگری سخت باشد، مثل گره زدن ریسمان و نخ به ریسمان و نخ دیگری لازمه این عقد یا گره زدن آن است که هر کدام، ملازم دیگری باشد و از آن جدا نگردد. این کلمه، اولین بار در امور محسوس به کار می‌رفت؛ ولی بعداً به‌طور استعاری، درباره امور معنوی، مانند معاملاتی از قبیل بیع و اجاره که بین مردم رایج بود و کلیه عهدها و پیمان‌ها تعمیم یافت و از آن نظر که اثر معنای عقد (لزوم و التزام) در این موارد وجود داشت، این کلمه بر آنها اطلاق شد و عقد - که همان عهد است - بر همه پیمان‌های دینی که خدا از بندگانش گرفته، منطبق است؛ اعم از آنکه ارکان و اجزای دین باشد، مثل توحید و سایر معارف اصلی و اعمال عبادی یا احکامی که به صورت ابتدایی یا به دلیل شرایط خاص، قاعده آن در اسلام وضع شده است و مورد تأیید قرار گرفته و با لفظ «العقود» (جمع با الف و لام معرفه) به کار رفته است. از این جهت، بهتر آن است که لفظ «عقود» را در این آیه بر معنایی حمل کنیم که هر چیزی را که «عقد» بر آن صادق است، دربر بگیرد. (طباطبایی، ۱۳۴۸: ۹ / ۲۴۳)

عوامل وفاداری همسران نسبت به یکدیگر

وفاداری همسران نسبت به یکدیگر، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی قابل بررسی است. در آغاز براساس سبک زندگی اسلامی، به رعایت حقوق متقابل همسران نسبت به یکدیگر اشاره می‌گردد و سپس از منظر روان‌شناسی، عوامل مؤثر بر وفاداری همسران در برابر یکدیگر تبیین خواهد شد.

رعایت حقوق شوهران از جانب همسران با تأکید براساس سبک زندگی اسلامی

یکی از مفاهیم مهم در سبک زندگی اسلامی، عهد و پیمان است. پیمان ازدواج، مقدس‌ترین نوع عهد و عقد در اسلام به‌شمار می‌رود و تلاش در جهت تحکیم آن ضروری می‌باشد. رعایت حقوق متقابل شوهران و بانوان از عوامل مؤثر بر تحکیم پیمان ازدواج به‌شمار می‌رود که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. حق آراستگی زنان برای مردان (اصل آرایش و زینت برای همسر)

سزاوار است که زن در رسیدگی به وضع ظاهری خود برای همسرش تلاش کند، ولو به اینکه گردن‌بندی

را در گردن خویش بیاویزد و نیز پسندیده نیست که دستش را بدون رنگ رها کند، هرچند اندک حنایی بگذارد، اگرچه سالخورده باشد. (نیلی پور، ۱۳۸۵: ۷۹)

۲. احترام متقابل اعضا به یکدیگر

یکی از دستورهای اخلاقی اسلام، حفظ حریم شخصیتی افراد و احترام متقابل آنها به یکدیگر است. در زندگی فاطمه علیها السلام اصل احترام اعضای خانواده به یکدیگر رعایت می‌گردید و همسر نسبت به همسر و هر یک از والدین برای فرزندان خود احترام خاصی قائل بودند. (همان: ۷۷)

۳. اصل مشارکت در امور زندگی

یکی از اصول حاکم بر زندگی فاطمه علیها السلام مشارکت و تعاون در همه مراحل و همه ابعاد گوناگون زندگی بود. علی علیه السلام بچه‌داری می‌کرد و فاطمه علیها السلام نان می‌پخت یا گندم آسیاب می‌کرد؛ علی علیه السلام به جهاد می‌رفت و زخم برمی‌داشت، فاطمه علیها السلام زخم‌های او را درمان می‌کرد و شمشیر او را می‌شست؛ علی علیه السلام از مکه به سوی مدینه هجرت می‌کرد و فاطمه علیها السلام هم به همراه او، هجرت را انتخاب می‌کرد (تفاهم و تعاون در زندگی).

۴. عشق و عاطفه و مهربانی همه اعضا به یکدیگر

انسان‌های کامل در تمام ابعاد وجودی، به کمال رسیده و در هر جهت، عالی‌ترین رتبه را احراز نموده‌اند. خاندان فاطمه علیها السلام به‌عنوان کامل‌ترین انسان‌ها از جهت عاطفی و محبت‌ورزی به یکدیگر، خالص‌ترین و بیشترین محبت‌ها و عشق‌ها را به یکدیگر داشتند. محبت در خانواده امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه علیها السلام در همه اعضا نسبت به هم الگوی رفتاری همه مسلمانان است. برای نمونه، هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام را برای بیعت از خانه بیرون می‌برند، عشق مشتعل فاطمه علیها السلام نسبت به ایشان فروزان‌تر می‌شود و در مقام عواطف پاک خود به سلمان می‌گوید:

ای سلمان! آنها قصد جان علی علیه السلام را دارند و من در شهادت علی علیه السلام نمی‌توانم صبر کنم. صبرم تمام شده، مرا به حال خود بگذار تا کنار قبر پدرم بروم، موهابیم را پریشان نموده، گریبان چاک سازم و به درگاه خدا ناله سر دهم.

پس از لحظاتی، مهاجمین دست از امام کشیدند و امام به خانه بازگشت و حضرت زهرا به ایشان فرمود:

علی جان، جانم به فدای جان تو و جان و روح من، سپر بلای جان تو یا ابوالحسن همواره با تو خواهم بود؛ اگر تو در خیر و نیکی به سر می‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود. (همان: ۸۶؛ به نقل از *نهج الحیاء*: ۱۴۷)

۵. تفاهم و تعاون خانوادگی در زندگی فاطمه زهرا علیها السلام

تفاهم و تعاون، دو اصل لازم اخلاقی در تشکیل و پایداری نظام خانواده است؛ دو اصل انسانی و اسلامی که می‌تواند خانواده را به محیط دوست‌داشتنی، قابل تحمل و سازنده تبدیل کند. رعایت این دو اصل براساس رعایت چند اصل دیگر می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تقسیم کار بین زوجین. پس از تقسیم کار از جانب پیامبر بین علی و فاطمه علیها السلام حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

جز خدا نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت.

۲. کمک فاطمه زهرا علیها السلام در تهیه نان و غذا.

۳. کمک علی علیه السلام به زهرا علیها السلام در کارهای خانه و بچه‌داری.

۴. حاکمیت روح عاطفی و نگاه‌های مهربان و عاطفی به همدیگر داشتن.

۵. رعایت نمودن شرایط اقتصادی شوهر.

۶. عدم تفضای مادی از شوهر داشتن.

۷. رعایت حق شوهر در مدیریت خانه.

۸. تحمل رنج‌های بچه‌داری از سوی فاطمه زهرا علیها السلام.

۹. تحمل رنج‌ها و مشکلات اجتماعی حاکم بر زندگی علی علیه السلام، (همان: ۱۸۶ - ۱۸۵؛ به نقل از

نهج الحیة، ص ۱۶۸، ح ۹۵)

۶. حجاب؛ عامل وفاداری مرد به زن و زن به مرد

حجاب به معنای رعایت حدود شرعی خواسته‌شده در قرآن کریم و روایات برای پوشاندن بدن، به‌ویژه برای بانوان است. رعایت شئون و احکام الهی در ارتباط‌ها، مکالمه‌ها، نگاه‌ها و تماس‌های گوناگون بین زن و مرد، پوشش بدن و زیبایی‌ها و زینت ظاهر و باطن زن در مقابل نامحرم، از مصادیق حجاب به‌شمار می‌رود. در سوره نور (آیات ۳۰ و ۳۱)، سوره مریم (آیات ۱۶ و ۱۷) و سوره احزاب (آیه ۵۹) به اصطلاحات خُمُر، جلباب و حجاب اشاره شده است و در احادیث نیز بر این موضوع تأکید و تصریح شده است.

یکی از وظایف زنان در برابر مردان نامحرم، حفظ حجاب است، این مسئله از ضروریات دین اسلام است و بین شیعه و سنی در آن اختلافی نیست و یک جهاد مقدس برای زنان به‌شمار می‌آید. منشأ و ریشه حجاب، عفت نفس، اصالت خانوادگی، خداترسی و ایمان به خدا و معاد است. ازجمله فواید و آثار حجاب عبارتند از: استحکام بنیاد خانواده، بستن راه عشق جنسی ارزان‌قیمت، ترقی عشق‌های آسمانی،

سبب طهارت دل زن و مرد مسلمان، نشانه متانت و وقار زن، مانعی برای غربزدگی و نشانه تقوا در زن و جامعه. راه به دست آوردن حجاب، مطالعه در ارزش حجاب و عفاف است. از لحاظ عملی نیز الگو قرار دادن حضرت زهرا^{علیها السلام}، نهراسیدن از تبلیغات منفی و سرزنش‌های اجتماعی، تقویت عزت نفس، دوری از رفاقت‌ها و مجالس آلوده و آلوده‌کننده و تقویت اخلاق در روابط جنسی همسران در شمار عوامل تقویت حجاب و عفاف است.

ترویج بی‌حجابی، نوعی کمک به شیادان و انسان‌های شهوت‌ران برای آسان رسیدن به تمنیات آنهاست. از سوی دیگر، لیبرالیست جنسی، طرف‌دار آزادی روابط و ترویج بی‌حجابی در جهت تخدیر جوامع و تسلط بر آنهاست. برخی به بهانه مکروه بودن رنگ سیاه، با چادر مبارزه می‌کنند، درحالی‌که اولاً این رنگ برای نماز مکروه است، نه مطلقاً (مثل اینکه برای عزای امام حسین^{علیه السلام} مستحب است)؛ ثانیاً برای حفظ عفاف، پوشش مستحب است؛ زیرا جلب توجه کمتری می‌کند و حکمت حجاب هم همین است. از جمله مفاسد بدحجابی نیز، فروپاشی استحکام و مودت خانوادگی، کمرنگ شدن محبت شوهر به زن و زمینه‌سازی برای گناهان مانند زنا می‌باشد.

۷. امانت‌داری

امانت‌داری خصیصه‌ای است که موجب درست‌کاری و پایبندی به میثاق‌ها و مسئولیت‌های دینی، قانونی و اجتماعی بین او و خدا، او و اولیا خدا، و او و مردم می‌شود. امانت‌داری حالتی بازدارنده برای عدم تجاوز به حق دیگران است. علی^{علیه السلام} فرموده است: «شر الناس من لا یعتقد الامانه و لا یجتنب الخیانه؛ بدترین مردم کسی است که به امانت پایبند نیست و از خیانت پرهیز نمی‌کند». (آمدی، ۱۳۳۷: ۴۱۱) یکی از فواید امانت‌داری، استحکام عقود و پیمان‌ها است. همچنین اعتقاد عمومی افراد را به یکدیگر بالا می‌برد و مانع اختلافات خانوادگی و اجتماعی می‌شود. (نیلی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۶۷) وفای به عهد، یکی از راه‌های تحصیل امانت‌داری است.

خیانت به معنای عدم رعایت آداب امانت در مال، ناموس، شخصیت یا مقام مؤمن است که از آن جمله می‌توان حيله‌گیری و پنهانی مال مردم را خوردن، حبس آن بدون دلیل، کم‌فروشی و غش در معامله را برشمرد. در آیات قرآن و روایات در مورد خیانت در امانت چنین آمده است:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا. (نساء / ۱۰۷)

[چرا] که خدا هر کسی را که خیانت‌پیشه گنهکار باشد، دوست ندارد.

قال رسول الله^{صلی الله علیه و آله} لیس منا من خان بالامانة. (مجلسی، ۱۳۷۶: ۷۵ / ۱۷۲، ح ۱۴)

خائن به امانت از ما نیست.

قال علي عليه السلام: الخيانة رأس النفاق. (آمدی، ۱۳۳۷: ۵۳)

خیانت کاری رأس نفاق است.

قال علي عليه السلام: آفت الوفاء الغدر. (همان: ۳ / ۱۱۰)

آفت وفاداری خیانت است.

قال علي عليه السلام: الخيانة دليل على قلة الورع و عدم الديانة. (همان: ۱۴۳۱)

یکی از مفاسد خیانت، بی‌اعتمادی افراد به یکدیگر و شیوع بدبینی و گرفتار شدن خود و خانواده به خیانت دیگران است.

یکی از اقسام خیانت، خیانت ناموسی (خیانت به خانواده) است.

۸. غیرتمندی

غیرتمندی یعنی کوشش دائم در حراست و محافظت از آنچه محافظتش عقلاً و شرعاً واجب و لازم است، مانند دین، آبرو، ناموس، اموال و اولاد. غیرتمندی به معنای اکراه انسان از دخالت و تصرف بیگانه در امور مربوط به او و حقوق متعلق به اوست. امام علی عليه السلام درباره شخص غیرتمند می‌فرماید: «ما زنى غير قَطُّ؛ فرد غیرتمند هیچ‌گاه تن به زنا نمی‌دهد». (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۰۵)

یکی از فواید و آثار غیرتمندی، تقویت روحیه مردانگی است و موجب حفاظت و صیانت از حقوق شخصی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود و رشددهنده نهاد خانواده است. برای به دست آوردن غیرتمندی باید مسئولیت‌ها را، به‌خصوص در برابر خود، خانواده، جامعه و دین شناخت و با از دست ندادن حساسیت‌های مثبت در برابر امور خلاف و برخورد با امور خلاف در زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی در کسب آن کوشید.

یکی از اقسام غیرتمندی در مقابل خانواده است: عدم غفلت از مسائلی که در نهایت به فساد خانواده می‌انجامد، مانند: حفاظت خانواده از نامحرمان، کنترل رفت‌وآمد آنان، عدم خروج غیرضروری از خانه، حفاظت آنان از شنیدن یا دیدن مسائل شهوت‌آمیز و اثبات مردانگی و غیرت در برابر زنان. (نبیلی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۵۷)

بی‌غیرتی به معنای اهمال و کوتاهی در نگرهبانی از آن چیزی است که حفظ آن لازم و ضروری است، مانند دین، ناموس، آبرو، اموال، اولاد، و در مقابل غیرتمندی است. امام علی عليه السلام در مورد بی‌غیرتی مردان فرمود: «اما تستحيون و لاتغارون نساءکم یخرجن الی الاسواق و یزامن العُلُوج؛ چرا حیا نمی‌کنید و غیرت‌ورزی و از زنان خود در برابر اینکه به‌سوی کوچه و بازار بروند و با مردان کافر برخورد کنند، محافظت نمی‌کنید؟» (نراقی، ۱۴۰۵: جزء ۱ / ۲۶۴) از جمله عوامل مهم ترویج بدحجابی و بی‌عفتی زنان در جامعه، بی‌غیرتی مردان آنهاست.

۹. خمود و سستی در مردان و زنان

یکی از عوامل بی‌وفایی خمود است. خمود یعنی کوتاهی و سهل‌انگاری در تحصیل ضروریات زندگی، مانند لباس و خوراک، و سستی در آنچه لازمه تکامل خانه و خانواده در امر ازدواج است، به گونه‌ای که موجب از بین رفتن مال، انقطاع نسل و از کار افتادن قوه جنسی یا سستی نظام خانواده و تضييع حقوق فرد و یا خانواده شود. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «لیس فی امّتی رهبانیه؛ در امت من، رهبانیت وجود ندارد». (صدوق، ۱۳۶۲: ۱ / ۶۸)

یکی از مفاسد خمود، محرومیت از برکات و فواید ازدواج و عدم بهره‌مندی از لذت‌های مباح و راهی مشروع برای ارضای شهوات است. یکی از اقسام خمود، سستی در نکاح و ضعف جنسی و ضعف در عدم ارتباط صحیح بین زوجین است. علاج و درمان خمود از لحاظ علمی، تأمل در مفاسد و آثار شوم خمود و دقت در فواید به‌کارگیری نعمت‌های الهی است. باید دانست که با وجود روایات بسیار در باب فضیلت ازدواج و براساس سیره معصومین ﷺ در تشکیل خانواده، داشتن چنین دیدگاهی در باب ازدواج، نوعی زهد منفی و حالت خمودی است و ارتباطی به ترک دنیا و عرفان واقعی ندارد. (نبیلی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۷۶)

عوامل مؤثر بر وفاداری همسران از دیدگاه روان‌شناسی

۱. جاذبه متقابل: عامل وفاداری

جاذبه متقابل به نگرشی اطلاق می‌شود که شخص درباره فردی دیگر دارد. این ارزیابی‌ها از افراد روی پیوستاری قرار می‌گیرند که شامل دوست داشتن در یک انتها و دوست نداشتن در انتهای دیگر است. (کریمی، ۱۳۸۸: ۳۸۳)

دوست داشتن و دوست نداشتن‌های متقابل افراد به‌وسیله «حالت عاطفی»^۱ آنها تعیین می‌شود. هر یک از عوامل مؤثر بر جاذبه، بر عاطفه (هیجان‌ها) تأثیر دارند و به همین دلیل است که آنها به جاذبه ربط دارند. یکی از این عوامل، مجاورت^۲ فیزیکی است.

گونه، شدیدتر جاذبه، تا حدودی به‌وسیله پی بردن به حیثه‌های شباهت یا عدم شباهت با توجه به نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها، علایق و بسیاری از موارد دیگر تعیین می‌شود. به میزانی که شباهت‌ها بر عدم شباهت‌ها برتری داشته باشد، جاذبه بین دو شخص افزایش می‌یابد. وقتی عدم شباهت‌ها بیشتر باشد، جاذبه کم خواهد شد و سرانجام، مثبت‌ترین هیجان‌ها و راحت‌بخش‌ترین احساس‌ها وقتی روی می‌دهد که دو فرد با گفته‌ها یا رفتارهایی که انجام می‌دهند، علاقه دوجانبه را به نمایش می‌گذارند.

1. Affective state.

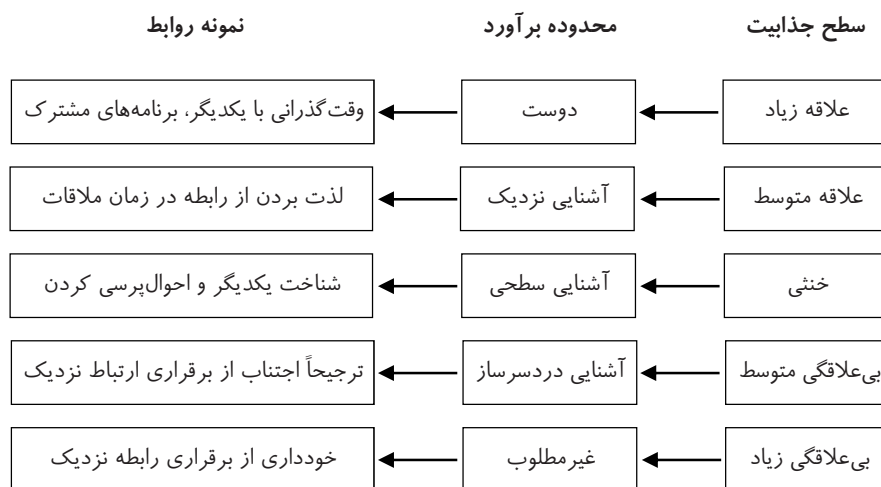
2. Proximity.

۲. جاذبه متقابل: ارزشیابی شخص دیگر

جاذبه متقابل به ارزشیابی یک شخص یا نگرش‌های او درباره شخص دیگر اطلاق می‌شود. جاذبه در طول یک پیوستار عرضه می‌شود که از دوست داشتن تا دوست نداشتن شدید متغیر است و به میزان جاذبه‌ای بستگی دارد که افراد احساس می‌کنند آن شخص را مقوله‌بندی کرده است و نسبت به او به شیوه‌ای کاملاً متفاوت رفتار می‌کنند. تحقیقات مربوط به جاذبه برای مشخص کردن عواملی که مسئول چنین ارزشیابی‌هایی هستند، طراحی می‌شوند.

این پیوستار و عوامل ارزشیابی در سطوح مختلف، جذابیت و محدوده برآورد و نمونه روابط در طرح زیر ارائه شده است:

روند سطح جذابیت و رابطه متقابل



۲. جذابیت جسمانی، عامل وفاداری

افراد در پاسخ‌دهی مثبت به افراد دیگر، بیشترین میزان پاسخ‌دهی مثبت را به جذاب‌ترین آنها و بیشترین پاسخ منفی را به غیرجذاب‌ترین آنها می‌دهند. بر همین اساس، جذابیت جسمانی، عاملی عمومی که پاسخ‌های اولیه فرد را نسبت به دیگران تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، در نظر گرفته می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۸) بیشترین میزان توافق وقتی رخ می‌دهد که مردان، جذابیت زنان را ارزیابی می‌کنند. (Marcus & Miller, 2003) جنبه‌های دیگری از ظاهر و رفتار، مثل نوع لباس پوشیدن است که بر جذابیت اثر دارند. (Cheverton & Byrne, 1998) همچنین عواملی مثل تمیزی و رنگ لباس، چاقی، لاغری، موهای صاف یا پیچیده نیز مؤثر است. (Mack & Rainey, 1990)

۳. شباهت - عدم شباهت: پیش‌بینی‌کننده پایای جاذبه

رابطه بین نسبت نگرش‌های مشابه و جاذبه، رابطه‌ای باثبات و به‌گونه‌ای قوی، پیش‌بینی‌کننده است و هرچه نسبت نگرش‌های مشابه بیشتر باشد، جاذبه هم بیشتر است و باید بر شباهت‌ها بیشتر تأکید کرد و تفاوت‌ها را به حداقل رساند.

۴. شباهت و شباهت فرضی^۱

چون همبستگی مثبتی بین درجه شباهت و میزان موفقیت یک رابطه وجود دارد، زوجی که قصد ازدواج دارند، بهتر است توجه بیشتری به شباهت‌ها و عدم شباهت‌های یکدیگر داشته باشند تا به جذابیت و رابطه جنسی. نه تنها افراد شبیه به هم با هم ازدواج می‌کنند، آنهایی که ازدواج سعادت‌مند دارند، معتقدند حتی بیش از آنکه فکر می‌کنند، به هم شباهت دارند؛ پدیده‌ای که به آن «شباهت فرضی» می‌گویند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۷۴ - ۴۷۳)

۵. عوامل گرایش

علاوه بر شباهت، موفقیت ازدواج تحت‌تأثیر برخی گرایش‌های شخصیتی خاص قرار می‌گیرد. گرایش‌های شخصیتی مهم دیگری که بر موفقیت یک رابطه اثر می‌گذارند، گرایش‌هایی هستند که با رفتار میان‌فردی و سبک‌های دلبستگی ربط دارند؛ از این‌رو افراد دارای سبک دلبستگی ایمن و ناایمن هستند (Murray, 2001) و به‌طور کلی، دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی همراه است. (Banse, 2004)

ویژگی‌های منفی هنگام آغاز ازدواج، پیش‌بینی‌کننده مشکلات رابطه در طول سیزده سال بعدی ازدواج بوده‌اند (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۷۷) واضح به نظر می‌رسد که در طول زمان، ابراز عاطفه منفی، سبب محو شدن عشق و سرخوردگی، کاهش آشکار محبت و علاقه و افزایش دوسوگرایی می‌شود. وقتی طرفین زناشویی، هیجان‌های منفی نظیر ترس، اضطراب و خشم را ابراز نکنند، رابطه آنها شانس موفقیت بیشتری خواهد داشت (Robins & Caspi & Moffitt, 2000) و در نتیجه، وفاداری آنها به یکدیگر افزایش می‌یابد.

۶. رابطه جنسی همسران: عامل وفاداری آنها به یکدیگر

نظرسنجی از زوج‌های ازدواج‌کرده نشان می‌دهد که هرچه زمان می‌گذرد، تعامل‌های جنسی کمتر می‌شود و سریع‌ترین کاهش در اولین چهار سال بعد از ازدواج رخ می‌دهد. (Udry, 1980) این کاهش فراوانی

1. Assumed similarity.

تعامل جنسی در طول زمان در مورد زوج‌هایی که با هم زندگی می‌کنند، ولی ازدواج نکرده‌اند نیز صادق است. شگفت آنکه، تحقیقات نشان می‌دهند که نه کار کردن تمام‌وقت و نه پاره‌وقت، اثری منفی بر زندگی جنسی زوج‌ها ندارد. صرف‌نظر از فراوانی رفتار جنسی، میزان شباهت نگرش‌ها و ترجیح‌های جنسی می‌تواند سازگاری ازدواج را پیش‌بینی کند. (Smith, 1993) همچنین احتمال دارد که، مردان بیشتر از زنان رضایتمندی جنسی را با کیفیت رابطه زناشویی برابر بدانند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۷۸)

۷. رفتارهای میان فردی

رفتارهای میان فردی مثبت وجود دارد که احساس تعهد به روابط را در همسران نشان می‌دهد؛ مثال‌هایی از این‌گونه رفتارها شامل نشان دادن محبت، تأمین حمایت و همراهی، نشان دادن احترام و حفظ یک جو مثبت است. (همان: ۴۸۶)

۸. عشق: مهم‌ترین عامل وفاداری و تعهدآفرینی

مهم‌ترین عامل وفاداری و تعهدآفرینی، عشق به‌شمار می‌رود که براساس ترسیم الگوی مثلثی شکل استرنبرگ^۱ می‌توان آن را تفسیر کرد:



الگوی مثلثی شکل استرنبرگ برای عشق

1. Sternberg.

مشکلات بین زن و شوهر: عامل بی‌وفایی

یکی از مسائل مسئله خاص در هر رابطه صمیمی، عبارت است از حسادت، واکنش منفی به جذب شدن واقعی یا خیالی شریک زندگی به فردی دیگر. برخی معتقدند مردان بیشتر به سبب جذب شدن جنسی شریک خود به یک مرد رقیب تهدید می‌شوند؛ درحالی‌که زنان بیشتر به دلیل جذب شدن عاطفی شریک خود به یک زن رقیب تهدید می‌گردند. تفاوت در اینجا ظاهراً ناشی از تفاوت‌های زیست‌شناختی است؛ از این جهت که مردان می‌ترسند مجبور باشند فرزندان مرد دیگری را بزرگ کنند؛ درحالی‌که زنان می‌ترسند که در صورت انتقال علاقه شوهر به زن دیگری، امکانات مرد خود را از دست بدهند. (Desteno, 2002) هر چند احتمال این‌گونه تفاوت‌های جنسی، جالب و موجه به نظر می‌آیند، تحقیقات اخیر حاکی از آن هستند که مردان و زنان از طریق هر نوع بی‌وفایی تهدید می‌شوند. (همان)

گام نهایی در جذب شدن جنسی به کسی غیر از همسر خود شخص، بی‌وفایی محسوب می‌شود. از مدت‌ها قبل مشخص شده که رابطه جنسی علاوه بر ازدواج، با ازهم‌پاشیدگی ازدواج همراه است؛ اما کدامیک مقدم است؟ تحقیقی طولی به وسیله پرویتی و آماتو^۱ نشان داده است که رویدادها می‌توانند به هر دو شکل صورت گیرند. افراد ناراضی از ازدواج، اغلب به رابطه جنسی علاوه بر ازدواج دست می‌زنند و رابطه جنسی اضافه بر ازدواج نیز اغلب به ازهم‌پاشیدگی ازدواج می‌انجامد. (کریمی، ۱۳۸۸)

مشکل در تداوم رابطه صمیمی با همسر

ممکن است برخی به دلایل مختلفی نتوانند روابط صمیمی خود را با همسرشان ادامه دهند. برخی از مراجعان، انتظارات غیرواقعی بینانه‌ای از نقش‌های زناشویی دارند. برخی از آنها توان اعتماد، تعهد، برقراری رابطه یا حل مسئله مشترک را ندارند. بیشتر روابط تعاملی روزانه در چنین زوجینی، بوی ناسازگاری می‌دهد. بنابراین گام اول در فرایند سنجش، تحلیل رفتاری تعامل زوجین است. این تعامل‌ها اغلب استرس‌برانگیز هستند و برای تحلیل رفتاری، هر یک از زوجین باید تعامل روزانه خود را با همسرشان توصیف کنند. اگر درمانگر فرصت داشته باشد که زوجین را با هم در جلسه ببیند، می‌تواند از نحوه تعامل آنها، اطلاعات گران‌بهایی به دست بیاورد. در چنین مواردی، درمانگر باید توجه خاصی به باورها و اسنادهای زوجین از روابط منفی و باورهای غیرواقعی بینانه آنها برای برقراری روابط صمیمی داشته باشند. (Bradbury, 1995) برادبری می‌گوید نتیجه پژوهش‌های طولی زوج‌درمانی نشان می‌دهد که چهار حوزه اساسی در رابطه بین زوجین وجود دارد. او تأکید می‌کند که درمانگران باید به این چهار حوزه، دقت خاصی مبذول دارند:

1. Perviti & Amato.

۱. کیفیت رابطه (کیفیت رابطه در قالب تعهد و رضایت سنجیده می‌شود).
 ۲. فرایندهای انطباقی الگوهای تعاملی زوجین.
 ۳. شرایط و وقایع منفی زندگی (مثل بیماری، بیکاری و تفاوت‌های فرهنگی).
 ۴. آسیب‌پذیری‌های شخصی دیرپا (آسیب‌پذیری‌های قبلی که همسران با خودشان به رابطه جدید می‌آورند). (حمیدپور، ۱۳۸۸)
- پژوهشگران نیز چارچوب مفیدی برای مفهوم‌سازی مشکلات تعارض‌برانگیز زوجین ارائه داده‌اند. آنها براساس پنج طیف از رفتارهای ناسازگار یا راهبردهای مقابله‌ای زوجین، آشفتگی‌های ارتباطی آنها را به تصویر کشیده‌اند. (Young&Gluhoski, 1996) نارضایتی زناشویی ناشی از مشکلات زوجین اغلب، در حل تعارض‌های یک یا چند حوزه زیر است:
- ارتباط: مردم‌آمیزی در برابر انزواگزینی.
 - قدرت: سلطه‌جویی در برابر سلطه‌گری.
 - احساس: احساساتی در برابر تعقل‌گرایی.
 - اشتراک: ایثارگری در برابر خودخواهی.
 - ارزشمندی: بیش‌ارزنده‌سازی در برابر ناززنده‌سازی.
- در اینجا نمونه‌هایی از سبک‌های ناکارآمد تعامل زوجین بیان می‌شود تا مشخص گردد که کدام یک از آنها به کاهش وفاداری همسران می‌انجامد.
۱. الگوی پرخاشگر - عصبانی - کنترل‌گر: بد رفتاری (جسمی یا روان‌شناختی)، سرزنش، بد و بیراه گفتن، زود عصبانی شدن، آزردن خاطر کردن همسر، انتظارات و توقعات غیرمنطقی از همسر، حسادت، دعوا راه انداختن، سلطه‌گری، نارضایتی از رشد و استقلال همسر، بی‌اعتنایی.
 ۲. الگوی وابستگی: توقع همراهی، علائم اضطراب، رفتارهای سماجتی، اطمینان‌طلبی مداوم درباره وفاداری و عشق همسر.
 ۳. الگوی مستحق / خودبزرگ‌بینی: بی‌وفایی، توقعات غیرواقع‌بینانه از همسر، بداخلاقی.
 ۴. بی‌ثباتی روان‌شناختی: مصرف مواد یا الکل، افسردگی، اختلال اضطرابی یا سایر مشکلات روانی.
 ۵. الگوی دست انداختن: بهانه‌تراشی هیجانی، آزمایش کردن طرف مقابل، رفتارهای عاطفی و احساساتی، تهدید یا ژست‌های خودکشی برای جلب ترخّم، مظلوم‌نمایی، جلب رضایت و همدردی همسر.
 ۶. الگوی بی‌عاطفه - کناره‌گیر: ارتباط ضعیف، کناره‌گیری، درون‌گرایی، بی‌احساسی، خونسردی افراطی، ناهمدلی، بی‌عاطفگی، بی‌اعتنایی، بی‌علاقگی، بی‌معرفتی یا عدم تمایل جنسی.

۷. الگوی اینارگری: پذیرش مسئولیت رفع مشکلات همسر و خوشبختی او، سرزنش خویشتن، ایفای نقش ناجی‌گری برای همسر.

۸. الگوی بی‌کفایتی: شانه خالی کردن از پذیرش مسئولیت‌های اساسی مثل مسائل مالی، فرزندپروری یا انجام کارهای خانه. (حمیدپور، ۱۳۸۸)

همان‌طور که در تبیین سبک‌های ناکارآمد تعامل زوجین روشن شد، این الگوها، بی‌ثباتی در روابط زوجین را نشان می‌دهد و باید از آنها اجتناب شود و در مقابل باید به رهنمودهایی در جهت تقویت روابط همسران اشاره کرد تا وفاداری آنها نسبت به یکدیگر افزایش یابد.

رهنمودهایی در جهت تقویت وفاداری و راهبردهای توسعه آن

جف هرینگ^۱، درمانگر خانواده و ازدواج، ده رهنمود برای تقویت روابط همسران ارائه داده است و پیشنهادهایی او در جدول (۱) نشان می‌دهد این پیشنهادها با آنچه درباره اجتناب یا حل و فصل مسائل گفته شده، همخوان و هماهنگ هستند. یک ازدواج موفق آن است که بر دوستی، تعهد، اعتماد، حمایت اجتماعی، شباهت و مصمم بودن پیوسته برای ایجاد عاطفه مثبت تأکید ورزد. (کریمی، ۱۳۸۸؛ ۴۸۷ - ۴۸۶)

جدول (۱): ده رهنمود برای تقویت روابط همسران (پیشنادهایی برای حفظ رابطه مثبت در زناشویی)

۱. شما می‌توانید یا حق داشته باشید یا خوشحال باشید - هر دو با هم ممکن نیست. عاقلانه انتخاب کنید.
۲. هنر ملایم و نرم همکاری را یاد بگیرید.
۳. درباره چیزهای مهم صحبت کنید.
۴. بخشش داشته باشید، به همان اندازه یا بیشتر از آنکه دوست دارید مورد بخشش قرار گیرید.
۵. آنچه را می‌خواهید بیشتر از آن داشته باشید، بزرگ بدارید. قدردانی می‌تواند راه درازی را طی کند.
۶. به ندای قلب بیشتر گوش بدهید تا به کلمات. این کار می‌تواند به حل تعارض و به مراقبت از یکدیگر بینجامد.
۷. شریک زندگی خود را تشویق کنید که موهبت‌های خود را نشان دهد.
۸. ارتباط‌های خود را کنترل کنید، حرف زدن آسان است؛ ولی ارتباط برقرار کردن دشوار است.
۹. مسئولیت سهم و نقش خود را در ایجاد مسائل و مشکلات بپذیرید.
۱۰. این‌طور تصور نکنید که به صرف اینکه ازدواج کرده‌اید، می‌دانید که چگونه متأهل باشید.

1. Hering.

حل مسائل زناشویی مهم‌ترین راهبرد توسعه وفاداری همسران

با فیلم‌برداری ویدئویی، تعامل‌های زن‌ها و شوهرها که مشکلات زندگی خود را تحلیل می‌کردند، یک الگوی مثبت و سه الگوی منفی مشخص شد. الگوی مثبت و سازنده، شامل تمرکز و تأکید بر موضوع مورد بحث و تلاش برای حل تعارض است. رفتارهای منفی مخرب نیز شامل اجتناب (عوض کردن موضوع و صحبت درباره چیز دیگر) یا تعامل‌های منفی مستقیم (مقصر دانستن، طرد کردن یا انتقاد کردن از طرف) و تعامل‌های منفی غیرمستقیم (اسناد دادن‌ها، اجتناب از مسئولیت یا پرسیدن سؤال‌های خصمانه) است. اجتناب کردن اغلب از جانب مردان صورت می‌گیرد و صرفاً هر تلاشی است که حل مسئله را به تعویق می‌اندازد؛ (بادمن^۱ و همکاران، ۱۹۹۸) اما ناسازگارانه‌ترین و غیرانطباقی‌ترین پاسخ‌ها به تعارض از سوی شریک‌های زندگی جدل‌کننده، این است که به شیوه مستقیم یا غیرمستقیم منفی، طرف مقابل را شدیداً مورد انتقاد قرار دهند. این رفتار، تنها پاسخ‌های منفی بیشتری را از سوی طرف مقابل به دنبال دارد و صرفاً تعارض را تشدید می‌کند. (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۸۵)

انواع رفتارهای بیزارکننده، نظیر دروغ‌گویی، تقلب، گله‌گذاری و مسخره کردن، مثال‌های آشنایی از اعمال ناخوشایند غیرضروری هستند که در روابط رخ می‌دهند. در نقطه مخالف، رفتارهای میان‌فردی مثبت قرار دارند که احساس تعهد به روابط را به طرف منتقل می‌کنند؛ مثال‌هایی از این‌گونه رفتارها شامل نشان دادن محبت، تأمین حمایت و همراهی، نشان دادن احترام و حفظ یک جو مثبت است. (Viggel & Riesch, 2002)

راهبردهای هشت‌گانه جهت تقویت وفاداری و حل مسائل زناشویی از نگاه اسلام از این قرارند: (انصاریان، ۱۳۷۶: ۵۲۴ - ۵۱۲)

۱. انصاف؛ امیرالمؤمنین علیه السلام: «آگاه باشید که کسی که از جانب خود به تمام مردم انصاف دهد، خداوند جز عزت و بزرگی به او اضافه نمی‌کند». رعایت انصاف بین زوجین و سایر اعضای خانواده، سبب افزایش عزت آنها در پیشگاه یکدیگر شده، پیمان الهی و انسانی آنها را مستحکم می‌نماید.
۲. مدارا و نرم‌خویی؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «مدارا و رفق، برکت و میمنت، و ناسازگاری و عمل ناشایست، شومی و بدیمنی را به همراه می‌آورد». وظیفه الهی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر آن است که با نرم‌خویی و رفق و مدارا با یکدیگر به تعامل بپردازند.
۳. نصیحت؛ امام صادق علیه السلام عدم نصیحت در فضای خانواده را از اسباب خیانت می‌شمارد و نصیحت به معنای خیرخواهی باید در روابط خانوادگی و زوجین تجلی یابد.

1. Badman.

۴. رعایت ادب؛ امیرالمؤمنین علیه السلام برخورداری از «ادب» را بالاترین سرمایه انسانی معرفی کرده، آن را سبب افزایش محبت معرفی می‌نماید. هنگامی که زوجین، مؤدبانه و صمیمانه با یکدیگر برخورد نمایند، محبت آنها نسبت به یکدیگر بیشتر شده، حس تعهد آنها به هم تقویت می‌گردد.

۵. حفظ خانواده از اتهام؛ رخنه رگه‌های اتهام در خانواده، سبب بدبینی افراد به یکدیگر می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار می‌دهد، فقط باید خودش را ملامت کند». مرد و زن در زندگی اجتماعی و در روابط خود باید جوانب اتهام را از خود دور کرده، مخصوصاً نسبت به اتهامات اخلاقی حساس باشند تا زمینه‌های بدبینی نسبت به طرف مقابل در زندگی مشترک ایجاد نگردد.

۶. وفای به عهد؛ قرآن کریم در آیه ۳۴ سوره مبارکه اسراء متذکر می‌شود که «به پیمان و عهد خود وفا کنید، که در قیامت نسبت به عهد خود مؤاخذه خواهید شد». امام سجاده علیه السلام تمام شرایع و دستورات دین را در سه محور خلاصه می‌کنند: «گفتار حق، حکم به عدالت و وفای به عهد». بر این اساس می‌توان وفای به عهد را اساسی‌ترین عنصر در تقویت وفاداری و ایجاد اعتماد بین زوجین دانست.

۷. مشورت؛ مشورت با همسر و سایر اعضای خانواده در ایجاد حس مقبولیت و محبوبیت آنها بسیار مؤثر است و فضای خانه و خانواده را از حالت استبدادمحوری به فضای همدلی و همیاری ارتقا می‌دهد و عبور از تنگنای زندگی را تسهیل می‌کند؛ چرا که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «خودرأی خود را گرفتار می‌کند».

۸. تواضع؛ برخورد متواضعانه، که براساس کلام حضرت علی علیه السلام بزرگ‌ترین عبادت است، همواره سبب می‌شود تا انسان از خودبزرگ‌بینی در برابر خداوند و بندگان او اجتناب کند و با خشوع و خضوع در برابر آنها رفتار نماید. در صورتی که زوجین و اعضای خانواده بر این اساس با یکدیگر تعامل کنند، به واسطه بندگی دائم خویش، خداوند قلوب آنها را در امنیت و آرامش قرار می‌دهد و بر محبت آنها می‌افزاید.

راهبردهای توسعه وفاداری همسران در تعهدآفرینی آنها از منظر اسلامی

اسلام به‌منظور توسعه وفاداری همسران و تأثیر آن بر تعهدآفرینی آنها، راهبردهای گوناگونی را ارائه نموده که به برخی از آنها در این مقاله پرداخته می‌شود: ارتباطات خانوادگی، نگرش مثبت زن و مرد به یکدیگر، حجاب و عفت، رفاه خانوادگی، توسعه عاطفی - اجتماعی، پرهیز از نارضایتی جنسی و ارضای کامل نیاز جنسی با رعایت اخلاق اسلامی در روابط جنسی همسران.

۱. ارتباطات خانوادگی

یکی از راهبردهای توسعه وفاداری در تعهدآفرینی همسران، ارتباطات سالم در خانواده است. آداب معاشرت و دستورهای اجتماعی اسلام، ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به عفت عمومی دارد و رعایت آنها موجب

وفاداری همسران خواهد شد. یکی از این آداب معاشرت، شیوه ورود به خانه‌های مردم و چگونگی اجازه گرفتن است. به این ترتیب که تصمیم ورود خود را قبلاً به اطلاع آنها برسانید و موافقت آنها را جلب نمایید. در قرآن کریم این موضوع در قالب یک دستور اخلاقی به مؤمنان بازگو شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور / ۲۷) ای کسانی که ایمان آوردید! در خانه‌هایی غیر از خانه‌هایتان وارد نشوید تا اینکه با دوستی رخصت طلبید و بر اهل آن [خانه] سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ باشد که شما متذکر شوید». فعل «تَسْتَأْذِنُوا» از «انس» گرفته شده است؛ یعنی اجازه‌ای توأم با محبت، لطف، آشنایی و صداقت را نشان می‌دهد. حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه، دوستانه و خالی از هر گونه خشونت باشد.

طبیعی است که وقتی اسلام برای ورود به خانه‌های غیر خود، چنین دستوری را صادر فرموده، باید فهمید که در روابط بین همسران در محیط خانواده نیز باید چنین روابطی وجود داشته باشد تا زن و شوهر را با یکدیگر مانوس سازد. برخی از آداب مربوط به ارتباطات خانوادگی عبارتند از: فریاد نکشید، در را محکم نکوبید، با عبارت خشک و زننده اجازه نگیرید و به هنگامی که اجازه داده شد، بدون سلام وارد نشوید؛ سلامی که نشانه صلح و صفا و پیام‌آور محبت و دوستی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۴ / ۴۲۸) علاوه بر آن، امنیت و آزادی در محیط خانواده عامل دیگری در ارتقای ارتباطات خانوادگی است. به این منظور، هر یک از همسران در محیط خانواده دوست دارد مدتی از شبانه‌روز را آزاد باشد و قید و بندها را دور کند و به استراحت بپردازد و با خانواده و فرزندان خود به گفتگوهای خصوصی بپردازد و تا آنجا که ممکن است از این آزادی بهره‌گیرد و به همین دلیل، به خانه خصوصی خود پناه می‌برد. (همان، ۴۳)

در موضوع ارتباطات خانوادگی، یک دستور فراگیر قرآنی وجود دارد که به مردان امر نموده است: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با آنان، به طور پسندیده رفتار کنید». این دستور در تمام ابعاد روابط انسانی مصداق دارد که نیکی با زنان را باید تعمیم داد. ارتباط کلامی و غیرکلامی باید به نیکی و معروف تحقق پیدا کند و در هر دو نوع این روابط، به نرمی گفتگو کردن و با عمل خوب با همسران رفتار کردن، باید مورد توجه همگان باشد.

۲. نگرش مثبت زن و مرد به یکدیگر

از عوامل مؤثر دیگری که به توسعه وفاداری همسران می‌انجامد و آنها را در مقابل یکدیگر بیشتر متعهد می‌سازد، نگرش مثبت آنها به یکدیگر است. مرد نباید زن را کالای جنسی و ابزار کاری خود بداند و زن نیز نباید مرد را فقط مسئول تأمین معاش خود فرض کند. قبل از اسلام، نگرش مرد به زن در حد یک موجود غیر مستقل و وابسته بود و زن در محیط خانواده آنچنان بی‌اراده و بی‌اختیار بود که گاهی برای ارتزاق

صاحب خود در معرض کرایه قرار می‌گرفت تا جایی که زنده به گورکردن زن را جائز می‌دانستند؛ اما اسلام زن را مانند مرد، دارای روح کامل انسانی و اراده و اختیار دانست و او را در مسیر تکامل که هدف خلقت است، قرار داد. اسلام زن را مانند مرد، به تمامی معنا، مستقل و آزاد می‌داند و با این نگرش مثبت به زن، او را مسئول اعمال خود دانسته است؛ همان‌گونه که درباره مردان چنین نگرشی دارد و از این جهت، تفاوتی بین زن و مرد نیست: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيَّةٌ»، (مدثر / ۷۴) «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا» (فصلت / ۴۶) هر انسانی در گرو اعمالی است که انجام می‌دهد. هر کس عمل نیک انجام دهد، به نفع خود اوست و کسی که بدی کند، به خود او برمی‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۱۴ - ۱۱۳) با این نگرش مثبت به زن، رابطه زن و مرد اصلاح شده، وفاداری آنها افزایش می‌یابد؛ اما اگر زن به‌عنوان یک کالای بی‌ارزش شناخته شود و شخصیت وی در حد یک ابزار لذت‌طلبی مردان درآید، وفاداری کاهش خواهد یافت.

۳. حجاب و عفت

یکی از فواید و آثار عفت و حجاب، استحکام نهاد خانواده و وفاداری زن و شوهر به یکدیگر است. راه ایجاد عفت در شهوت جنسی در ازدواج و اعتدال در همبستگی با همسر است؛ به‌گونه‌ای که قدرت حفظ خود از گناه را پیدا کند. زنان و مردان در ابعاد مختلف عفت، یعنی کنترل نگاه، کلام، معاشرت‌ها با نامحرمان، تمرین صبر بر معصیت، رفت‌وآمد در محیط‌های سالم، تحصیل غیرت و رشد خردمندی می‌توانند به وفاداری خود به یکدیگر توسعه دهند و تعهد خود را در برابر همدیگر افزایش دهند. (نیلی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۶۳) عفت حالتی است که مانع غلبه شهوات و امیال بر انسان می‌گردد. از سوی دیگر، عفت به معنای کنترل نفس از لذت‌های حیوانی و رعایت تعادل در کسب لذت در چارچوب عقل و شرع می‌باشد. امام علی علیه السلام عفت را عامل کنترل شهوت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الْعَفَّةُ تُضَعِّفُ الشَّهْوَةَ؛ عفت شهوت را کنترل می‌کند و ضعیف می‌نماید». (آمدی، ۱۳۳۷، ص ۱۲۴) امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «مَا عُدَّ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرَجٍ؛ بالاترین عفت‌ها، کنترل و عفت شکم و شهوت است». (کلینی رازی، ۱۳۶۷: ۲ / ۹ / ۱) در محیطی که حجاب وجود دارد، دو همسر به یکدیگر تعلق دارند و احساساتشان و عشق و عواطف آنها مخصوص یکدیگر است؛ اما در محیط باز و آزاد برهنگی که عملاً زنان به صورت کالای مشترکی - دست‌کم در مرحله غیر آمیزشی - درآمده‌اند، قداست و پیمان زناشویی مفهومی ندارد و خانواده‌ها همچون تار عنکبوت به‌سرعت متلاشی می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۴ / ۴۴۵)

۴. رفاه خانوادگی

یکی از عوامل توسعه وفاداری همسران، ایجاد آسایش و توسعه زندگی برای اعضای خانواده است. یکی از

مصداق معاشرت به معروف و نیکو، سخاوتمندی است که موجب تلاش برای آسایش همسر و فرزندان و خدمت به آنان خواهد شد. (نیلی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۴۳)

راهبردهای اسلام برای توسعه وفاداری، توسعه اقتصادی است که تابع آداب مختلفی است؛ از جمله:

۱. انفاق و رسیدگی به خانواده برای رضای خدا باشد.

۲. از به دست آوردن مال حرام و شبهه‌ناک اجتناب شود.

۳. از سختگیری به خانواده پرهیز شود تا آنان تحت فشارهای مختلف قرار نگیرند.

۴. از اسراف پرهیز شود تا نتیجه تلاش‌های روزانه فرد تباه نشود.

۵. به مناسبت‌های مختلف عید، جشن‌ها و مسافرت، هدیه خریده شود.

۵. توسعه عاطفی - اجتماعی

راهبرد دیگر توسعه وفاداری، توسعه عاطفی - اجتماعی است. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «اگر مردی به همسرش بگوید تو را دوست دارم، هیچ‌گاه این اظهار محبت را فراموش نمی‌کند». همچنین در جای دیگر فرمود: «هم کلامی مرد با همسرش نزد خدا محبوب‌تر از اعتکاف در مسجد النبی ﷺ است». براساس سخنان پیامبر می‌توان دریافت که همسران با اخلاق نیکو با یکدیگر و محبت بین خود، به افزایش وفاداری خود با یکدیگر کمک می‌کنند.

با اینکه ارتباط انسان با پدر و مادر و برادران و خواهران، ارتباط «نسبی» است و از ریشه‌های عمیق خویشاوندی مابه می‌گیرد و پیوند دو همسر، یک پیوند قراردادی و قانونی است، بسیار رخ می‌دهد که محبت و علاقه ناشی از آن حتی بر علاقه خویشاوندی پدر و مادر پیشی می‌گیرد و این در حقیقت همان چیزی است که در آیات قرآن با جمله: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» به آن اشاره شده است. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است که بعد از جنگ احد به دختر حشش فرمود: دایی تو «حمزه» شهید شد. او گفت: «انا لله و انا الیه راجعون» من اجر این مصیبت را از خدا می‌خواهم. باز به او فرمود: برادرت شهید شد، دیگر بار «انا لله و انا لله...» گفت؛ اما همین که خبر شهادت همسرش را به او داد، دست بر سرش گذاشت و فریاد کشید و در این هنگام پیامبر ﷺ فرمود: «هیچ چیزی برای زن، همانند همسر نیست». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۴۰۷ - ۴۰۶ به نقل از: نورالثقلین: ۴ / ۱۷۴)

۶. اخلاق جنسی

اخلاق جنسی قسمتی از اخلاق به معنای عام است و شامل عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه جنسی ارتباط دارد، مانند عفاف و وفاداری زن به شوهر نسبت به یکدیگر.

ارضای کامل نیاز جنسی زن و شوهر در ارتباطات با یکدیگر، از عوامل مؤثر بر میزان وفاداری آنها به هم به‌شمار می‌رود. مرد و زن به‌منظور ارضای کامل نیاز جنسی باید خود را برای یکدیگر آماده سازند. آراستگی ظاهر، توجه به وضع زیبای لباس و بدن و خوشبو بودن برای یکدیگر، زمینه‌های ارضای نیاز کامل جنسی را فراهم می‌کند.

امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید: «سزاوار نیست که زن خود را بدون آرایش نگه دارد؛ هرچند با آویختن گردنبندی به گردن باشد و همچنین شایسته نیست که زن هرچند سالمند باشد، دست خویش را حتی اگر با کمی حنا هم شده باشد، بدون خضاب بگذارد». (طبرسی، ۱۳۶۵، ص ۶۰) از سوی دیگر پرهیز از فرهنگ غربی در زمینه آزادی جنسی، یکی دیگر از عوامل مؤثر بر وفاداری همسران است. زن‌نمایی مردان و مردنمایی زنان، یکی از روش‌های ترویج فرهنگ اباحی‌گری و فرهنگ غربی است که ضد عفت به‌شمار می‌رود و به‌منظور توسعه وفاداری باید از آن پیشگیری کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «لعن الله الرجل یلبس لبسة المرأة تلبس لبسة الرجل؛ خدا لعنت کند مردی را که لباس زنانه می‌پوشد و زنی را که لباس مردانه می‌پوشد». (متقی، ۱۴۰۱: ۴۱۳۳۵)

در مجموع، ارضای نیاز جنسی به شیوه صحیح در روابط همسران باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و از ارزش‌های انحرافی مثل خودارضایی، همجنس‌خواهی، حیوان‌خواهی، کودک‌خواهی و هرزه‌نگاری اینترنتی به‌شدت اجتناب شود و پیشگیری به عمل آید. یکی از عوامل بی‌وفایی همسران نسبت به یکدیگر، انحرافات جنسی است؛ از جمله زنا، همجنس‌خواهی، آمیزش با محارم، آمیزش با چهارپایان، کودک‌خواهی، دیانه (حساس نبودن مرد هنگامی که همسرش با دیگری آمیزش می‌کند)، مبدل‌پوشی، خودنمایی جنسی، چشم‌چرانی و واسطه‌گری جنسی برای دیگران؛ اما از آنجا که این مقاله به عوامل وفاداری می‌پردازد، از توضیح تفصیلی آنها صرف‌نظر می‌شود.^۱

نتیجه

وفاداری همسران از موضوعات مهم در تحکیم نظام خانواده است که تحت‌تأثیر عوامل متعدد روان‌شناختی و اجتماعی است. روان‌شناسی و اسلام هر کدام به برخی از ابعاد مسئله پرداخته‌اند که توجه به هر دو ضرورت دارد و در این مقاله از هر دو زاویه بدان پرداخته شد. در روان‌شناسی به موضوع عشق، جذابیت، رابطه سالم، رفتارهای میان‌فردی، حل مسائل زناشویی به‌عنوان عوامل مؤثر بر وفاداری همسران توجه شده است. در دیدگاه اسلامی با الگو قرار دادن حضرت زهرا علیها السلام در وفاداری به همسر

۱. خوانندگان محترم می‌توانند به کتاب *روان‌شناسی رفتار جنسی* تألیف نویسنده مراجعه نمایند.

بزرگوار خود امام علی علیه السلام، عواملی همچون عفت، حجاب، رابطه سالم، احترام متقابل، تفاهم و تعاون در خانواده، عشق و مهربانی معنوی نسبت به یکدیگر، مشارکت در زندگی، آراستگی و توجه به زیبایی و آرایش برای یکدیگر و در نهایت، رعایت حقوق یکدیگر از عوامل مؤثر بر وفاداری همسران و تعهدآفرینی آنان به‌شمار رفته است.

اسلام برای توسعه وفاداری همسران راهبردهای مختلفی از قبیل ارتباطات سالم خانوادگی، نگرش مثبت زن و مرد به یکدیگر، حجاب و عفت، رفاه خانوادگی، توسعه عاطفی و اجتماعی و پرهیز از نارضایتی جنسی و ارضای کامل نیاز جنسی را با رعایت اخلاق اسلامی ارائه نموده است. پیشنهاد می‌شود این موضوع با روش میدانی بررسی گردد و با اجرای طرح پژوهشی براساس ساخت و تدوین پرسشنامه مناسب در میان همسران، به یافته‌های عینی و عملی دسترسی پیدا شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۳۷، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۴. انصاریان، حسین، ۱۳۷۶، *نظام خانواده در اسلام*، ویرایش دوم، قم، ام ایها.
۵. بارون، رابرت، دان بیرن و نایلا برنسکامب، ۲۰۰۶ م، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه یوسف کریمی، تهران، نشر روان، چ ۲.
۶. زارب، جانث ام، ۲۰۰۷ م، *شناخت درمانی تحولی برای بزرگسالان*، ترجمه حسن حمیدپور، تهران، انتظارات ارجمند.
۷. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *خصال*، ویرایش سوم، قم، اسلامیه.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۴۸، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۹. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۶۵، *مکارم الاخلاق*، ترجمه میرباقری، تهران، فراهانی.
۱۰. کججاف، محمدباقر، ۱۳۹۱، *روانشناسی رفتار جنسی*، تهران، نشر روان، چ ۶.
۱۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. متقی، علی بن حسام‌الدین، ۱۴۰۱ ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، قم، مؤسسه الرساله.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۶، *بحار الأنوار*، قم، کتابفروشی اسلامیه.

۱۴. مظاهری، حسین، ۱۳۸۴، *خانواده در اسلام*، اصفهان، بنیاد خیریه فرهنگی المهدی علیه السلام.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. نراقی، مهدی بن ابی ذر، ۱۴۰۵ ق، *جامع السعادات*، قم، حکمت.
۱۷. نیلی پور، مهدی، ۱۳۸۲، *فرهنگ فاطمیه علیه السلام*، اصفهان، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس.
۱۸. _____، ۱۳۸۵، *بهشت اخلاق*، قم، مؤسسه انتشارات حضرت ولی عصر علیه السلام.
19. Banse, R., 2004, "Adult Attachment & Marital Satisfaction: Evidence for Dyadic Configuration Effects", *Journal of Social & Personal relationships*, V. 21, 2, P. 273 - 282.
20. Bradbury, T., 1995, "Assessing the Four Fundamental Domains of Marriage", *Family Relations*, V. 44, 45, P. 459 - 468.
21. Cheverton, H. M., & Byrne, D., 1998, "Development & Validation of the Primary Choice Clothing Questionnaire", Presented at *the Meeting of the Eastern Psychological Association*, Boston.
22. Desteno, D., 2002, "Sex differences in Jealousy: Evolutionary Mechanism or Artifact of Measurement?", *Journal of Personality & Social Psychology*, V. 83, P. 1103 - 1116.
23. Mack, D., Rainey, D., 1990, "Female Applicant's Grooming & Personnel Selection", *Journal of Social Behavior & Personality*, V. 5, P. 399 - 404.
24. Marcus D.K. & Miller, R.S., 2003, "Sex Differences in Judgments of Physical Attractiveness: A Social Relations Analysis", *Personality & Social Psychology Bulletin*, V. 29, P. 325 - 335.
25. Murry, S., 2001, "The Mismeasure of love: How self-doubt Contaminates Relationship Beliefs", *Personality & Social psychology Bulletin*, V. 27, P. 423 - 436.
26. Robins, R. W, Caspi, A., & Moffitt, T.E, 2000, "Two Personalities, one Relationship: Both partners' Personality traits Shape the Quality of Their Relationship", *Journal of Personality & Social Psychology*, V. 79, P. 251 - 259.
27. Smith, E.R., 1993, "Sexual Attitudes of Males & Females as Predictors of Interpersonal Attraction & Marital Compatibility", *Journal of Applied. Social Psychology*, V. 23, P. 1011 - 1034.
28. Udry, J.R., 1980, "Changes in the Frequency of Marital Intercourse from Panel Data", *Archives of Sexual Behavior*, V. 9, P. 319 - 325.
29. Weigel, D. J. & Ballard- Reisch, D. S., 2002, "Investigating the Behavioral Indicators of Relational Commitment", *Journal of Social & Personal Relationships*, V. 19, P. 403 - 423.
30. Young, J, F., & Gluhoski, V, L, 1996, "Schema. Focused Diagnosis for Personality disorders", In F.Kaslow (Ed) *Handbook of Relational Diagnosis & Dysfunctional Family Patterns*, (p. 300 - 321), New York, John Wiley & Sons.

